

# دانش سیاسی در حوزه علمی قم

عبدالوهاب فراتی

شناسنامه پژوهشی اثر

---

عنوان: دانش سیاسی در حوزه علمی قم

پژوهشکده: نظام‌های اسلامی، گروه علمی: سیاست

مؤلف: عبدالوهاب فراتی

ارزیابان علمی: مسعود پورفرد و شریف لک‌زایی

---



## دانش سیاسی در حوزه علمیه قم

عبدالوهاب فراتی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۶۰

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۱۳۷-۸

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت واژه پرنماز اندیشه

سرشناسه: فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۶۶-

عنوان و نام پدیدآور: دانش سیاسی در حوزه علمیه قم / عبدالوهاب فراتی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۶۰.

مشخصات ظاهری: ۲۴۶ ص.

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال شابک: 978-600-108-137-8

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه، ص ۴۰۱، همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه. موضوع: حوزه علمیه قم. موضوع: علوم سیاسی.

موضوع: اسلام و سیاست -- ایران. موضوع: روحانیت -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی

موضوع: علوم سیاسی (فقه) موضوع: علوم سیاسی -- فلسفه

نشانه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ردمبندی کنگره: ۱۳۶۰ ۱۳۷۱.۵۳۶۵۳ BP

ردمبندی دیویی: ۳۹۷/۳۸۳۲

شماره کاتالوگ ملی: ۲۵۰۰۰۳۸

تهران: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵-۵۴۰۳ - ۸۸۵-۳۳۴۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

## فهرست

- پیشگفتار ..... ۱۱
- مقدمه ..... ۱۵
- فصل اول: کلیات و تمهیدات نظری ..... ۲۱
۱. بیان مسئله ..... ۲۳
۲. سؤالات پژوهش ..... ۳۰
۳. واکاوی ادبیات دانش سیاسی در حوزه علمیه قم ..... ۳۱
۴. چارچوب نظری ..... ۳۹
۵. مفاهیم پژوهش ..... ۴۷
- ۵-۱. نصل (به مثابه نظام دانایی) ..... ۴۷
- ۵-۲. روحانیت ..... ۵۱
- ۵-۳. شرایط اجتماعی و سیاسی (تغییر ایستمه) ..... ۵۸
۶. دانش سیاسی و مرزهای آن در حوزه علمیه قم ..... ۶۲
۷. امر سیاسی، موضوع دانش سیاسی ..... ۷۷
۸. سیاست اثر تفکر قدیم و جدید ..... ۸۳
۹. دانش سیاسی در سنت اسلامی ..... ۸۹
- ۹-۱. مفهوم سیاست ..... ۸۹
- ۹-۲. طبقه‌بندی دانش سیاسی در سنت اسلامی ..... ۹۲

۱۰. روحانیت و سیاست ..... ۹۹
- ۱۰-۱. نسبت روحانیت با دانش‌های سیاسی ..... ۱۰۰
- ۱۰-۲. روحانیت و داعیه‌های سیاسی ..... ۱۰۲
- ۱۰-۳. روحانیت و عرصه سیاست‌ورزی ..... ۱۰۵
۱۱. حوزه‌های علمیه و نسبت روحانیت با دانش‌های جدید ..... ۱۱۰
- فصل دوم: انقلاب اسلامی و رونق دانش سیاسی در حوزه علمیه قم ..... ۱۲۷
۱. تغییر نظام دانایی و تلاش روحانیت برای مفهومی‌کردن زندگی سیاسی ..... ۱۲۹
۲. رهیافت‌های موجود به سیاست و دانش سیاسی در حوزه علمیه قم ..... ۱۳۵
۳. حوزه علمیه قم و مسئله اسلامی‌کردن دانش‌های انسانی ..... ۱۳۹
- ۳-۱. رویکرد اول: روحانیون سنتی و علوم جدید ..... ۱۴۱
- ۳-۲. رویکرد دوم: تهدیب‌گرایان و نوسازی نظریه‌های علوم انسانی ..... ۱۴۸
- ۳-۳. رویکرد سوم: بنیان‌گرایان و اسلامی‌سازی کلیه علوم ..... ۱۵۲
- ۳-۴. رویکرد چهارم: مجددگرایان و نقادی علوم قدیم و جدید ..... ۱۶۷
- ۳-۵. رویکرد پنجم: نوگرایی دینی و نوسازی علوم متداول اسلامی ..... ۱۶۹
- فصل سوم: حوزه علمیه و رشد گفت‌وگوهای دانشی درباره سیاست ..... ۱۷۳
۱. فقه سیاسی ..... ۱۷۶
- ۱-۱. فقه سیاسی و تجربه دنیای قدیم و جدید ..... ۱۷۷
- ۱-۱-۱. فقه سیاسی و ایستمه قدیم ..... ۱۷۸
- الف) فقه سیاسی و نظریه معطل‌ماندن حکومت ..... ۱۸۱
- ب) فقه سیاسی و نظریه حاکمیت دوگانه ..... ۱۸۳
- ۱-۱-۲. فقه سیاسی و ایستمه جدید ..... ۱۸۵
- الف) فقه سیاسی و انقلاب مشروطه ..... ۱۸۶
- ب) فقه سیاسی و نظریه جمهوری اسلامی ..... ۱۸۸

- ۱-۱. وضعیت کنونی فقه سیاسی در حوزه‌های علمیه..... ۱۹۴
- ۱-۲-۱. وضعیت فقه سیاسی در سطوح عالی و رسمی حوزه‌های علمیه..... ۱۹۵
- ۱-۲-۲. رونق مباحث فقه سیاسی در سطوح میانی حوزه‌های علمیه..... ۲۰۳
- ۱-۳. روحانیت و موقعیت فقه سیاسی..... ۲۰۶
- ۱-۴. روحانیت و سرشت فقه سیاسی..... ۲۱۷
- الف) فقه سیاسی به مثابه دانشی ارتباطی..... ۲۱۸
- ب) فقه سیاسی به مثابه بینش..... ۲۱۹
- ج) فقه سیاسی به مثابه گرایش..... ۲۲۵
- ۱-۵. حوزه علمیه و رویکردهای کنونی روحانیت به فقه سیاسی..... ۲۲۸
- الف) فقه سنتی..... ۲۲۹
- ب) فقه پویا..... ۲۳۳
- ج) فقه گویا..... ۲۳۷
- د) فقه مناسبات اجتماعی..... ۲۴۵
- ۱-۶. حوزه علمیه قم و تأملات فقهی در باب سیاست..... ۲۵۴
- الف) آموزش فقه سیاسی..... ۲۵۴
- ب) پژوهش فقه سیاسی..... ۲۶۰
- ج) مشورات فقه سیاسی..... ۲۶۴
۲. فلسفه سیاسی..... ۲۶۶
- ۲-۱. سرشت فلسفه سیاسی در حوزه‌های علمیه..... ۲۶۷
- الف) فلسفه سیاسی غیر از علم سیاست است..... ۲۶۸
- ب) فلسفه سیاسی همان علم برهانی سیاست است..... ۲۶۹
- ج) فلسفه سیاسی، به مثابه دانشی مضاف، بخشی از متافیزیک است..... ۲۷۰
- د) فلسفه سیاسی همان روش یا فلسفه علم سیاست است..... ۲۷۱
- ۲-۲. روحانیت و مسئله امکان یا امتناع فلسفه سیاسی اسلامی..... ۲۷۷
- ۲-۳. آموزش و پژوهش فلسفه سیاسی در حوزه علمیه قم..... ۲۸۳
- الف) آموزش فلسفه سیاسی..... ۲۸۳

- ب) پژوهش فلسفه سیاسی..... ۲۸۶
۳. مطالعات درجه دوم دانش سیاسی ..... ۳۹۰
- ۱-۳. روش سنتی حوزه‌های علمیه و دانش‌های تفسیری..... ۳۹۴
- الف) اصول فقه و هرمنوتیک روشی..... ۳۹۵
- ب) اصول فقه و هرمنوتیک فلسفی..... ۳۰۰
- ۲-۳. روحانیت و ضرورت بازاندیشی در روش سنتی فهم شریعت ..... ۳۰۴
- ۳-۳. کاربرد هرمنوتیک فلسفی در دانش سیاسی حوزه ..... ۳۱۳
- ۴-۳. دانش سیاسی حوزه و روش‌های پسامدرن ..... ۳۱۹
- ۵-۳. کاربرد روش گفتمان در دانش سیاسی حوزه..... ۳۲۰
۴. عرفان سیاسی ..... ۳۲۳
- ۱-۴. عرفان سیاسی؛ امکان یا امتناع ..... ۳۲۵
- الف) طرفداران تهاقت عرفان و سیاست ..... ۳۲۵
- ب) حامیان ترابط عرفان و سیاست..... ۳۲۸
- ۲-۴. ظرفیت‌های عرفان برای اجتماع و سیاست..... ۳۳۰
۵. کلام سیاسی ..... ۳۳۵
- ۱-۵. روحانیت و سرشت کلام سیاسی..... ۳۳۶
- ۲-۵. جایگاه کلام سیاسی در مجموعه دانش سیاسی حوزه ..... ۳۴۱
- فصل چهارم: مراکز آموزش دانش سیاسی در حوزه علمیه قم..... ۳۴۵
۱. ظهور مراکز آموزشی جدید در حوزه علمیه قم..... ۳۴۷
- ۱-۱. دانشگاه باقرالعلوم (ع)..... ۳۴۷
- ۲-۱. دانشگاه مفید..... ۳۵۵
- ۳-۱. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی..... ۳۶۰
- ۴-۱. جامعه المصطفی العالمیه ..... ۳۶۵
- ۵-۱. سایر مراکز فعال در حوزه دانش سیاسی ..... ۳۷۴
۲. محدودیت‌ها و ظرفیت‌های نظریه‌پردازی در حوزه دانش سیاسی ..... ۳۸۰
- ۱-۲. علل و عوامل تاریخی..... ۳۸۰

- ۲-۲. عدم تعامل مستمر میان نظام سیاسی و دانش سیاسی حوزه ..... ۳۸۲
- ۲-۳. ملاحظات قدرت و محدودیت‌های اجتهاد آزاد ..... ۳۸۵
- ۲-۴. پی‌توجهی به برخی رشته‌های سیاسی ..... ۳۹۰
۳. چشم‌انداز دانش سیاسی در حوزه علمیه قم ..... ۳۹۲
- کتابنامه ..... ۴۰۱
- نمایه اعلام ..... ۴۲۱
- نمایه موضوعی ..... ۴۳۵

www.ketab.ir

## پیشگفتار

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظامی براساس آموزه‌ها و احکام آن در ایران از یکسو و شکست مکاتب بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افزوده است.

انتظار آن است که نظام‌های اجتماعی اسلام به عنوان دینی هدایت‌گر در مواجهه با یافته‌های علوم انسانی و مکاتب بشری، با منطقی مستدل و مستند ارائه شوند. همچنین پیش‌ها، ارزش‌ها و منش‌های دینی متدینان، آسیب‌شناسی و ساحت قدسی دین از پیرایه‌های موهوم و موهون پیراسته گردد.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سامان‌مند پیرامون کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و هم‌تنی والا و تلاشی شایسته و روزآمد را می‌طلبد و این امر بدون تأسیس نهادهای پژوهشی و آموزشی محقق و کارآمد میسر نیست.

بدین منظور، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی - که نهادی علمی و غیرانتفاعی است - در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردید.

این پژوهشگاه در قالب پنج پژوهشکده «نظام‌های اسلامی»، «فرهنگ و مطالعات اجتماعی»، «حکمت اسلامی»، «دین پژوهی» و «دانشنامه‌نگاری دینی» فعالیت می‌کند.



پژوهشکده نظام‌های اسلامی، که مشتمل بر پنج گروه «اخلاق»، «اقتصاد»، «فقه و حقوق»، «سیاست» و «مدیریت اسلامی» است، به‌طور خاص با مطالعه نظام‌های اجتماعی، اهداف ذیل را تعقیب می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی اسلام؛
  ۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظام‌های اجتماعی اسلام و ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن؛
  ۳. آسیب‌شناسی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدرسان آن به متولیان امور و بسترسازی برای تحقق کامل‌تر نظام‌های اسلامی؛
  ۴. تحقیق درباره مسائل نوپدید به انگیزه گره‌گشایی در زمینه نیازهای نوپدیدای فقهی؛
  ۵. پاسخگویی به شبهات مطرح در باب فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی اسلام؛
  ۶. شناخت و نقد علمی مکاتب و نظام‌های معارض.
- تحقیق حاضر که در گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه طراحی، تحقیق و تدوین یافته است، نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند جناب دکتر عبدالوهاب فراقی است. در کتاب *دانش سیاسی در حوزه علمیه قم*، محقق با این پیش‌فرض که آموزه‌های دینی با سیاست و زندگی سیاسی مؤمنان ارتباط وثیق دارند، به مقایسه شرایط فکری پس از انقلاب اسلامی با سنت اندیشگی سیاسی گذشته حوزه‌های علمی می‌پردازد و بر این بناور است که رویکرد حوزه‌ها به سیاست در گذشته، بیشتر در قالب مباحث سیاسی در ابواب گوناگون فقهی مطرح بوده است. در پیامد انقلاب اسلامی که خود مولود حوزه و ارزش‌های حوزوی و مدار نصوص دینی و آموزه‌های اسلام است، تلاش زیادی از سوی روحانیت به جهت مفهومی کردن زندگی سیاسی مؤمنان بر مدار نصوص شرعی صورت پذیرفت و موجب ظهور شاخه‌های متنوعی از دانش سیاسی مانند فقه سیاسی، کلام سیاسی، فلسفه سیاسی و عرفان سیاسی گردید که پیش از این تنها در حاشیه و کرانه‌های دانش‌های عام‌تری مانند فقه و فلسفه قرار

می‌گرفت. به سبب ظهور شاخه‌ها و گرایش‌های نوین دانش سیاسی، ضرورت‌ها، نیازها و تقاضاهای فراوانی، فراروی حوزه علمیه قرار گرفته و متناسب با آنها ساختارهای آموزشی و پژوهشی‌ای در حوزه‌ها به وجود آمد. ورود طلاب و فضلاء حوزه‌ای به این عرصه موجب شد تا محققان و صاحب‌نظران بسیاری در حوزه اندیشه سیاسی اسلام تربیت شوند و در راستای تولید فکر سیاسی اسلامی و تحول در علوم انسانی گام‌هایی برداشته شود و آینده امیدوارکننده‌ای در این خصوص، فراروی حوزه‌ها قرار گیرد.

در پایان لازم می‌دانیم از دانشور گرامی جناب آقای دکتر عبدالوهاب فزونی، اعضای محترم شورای علمی گروه سیاست و ارزیابان محترم تحقیق جناب آقایان دکتر منعم پورفرد و دکتر شریف لک‌زایی که در به سامان رسیدن این تحقیق همکاری داشته‌اند، تقدیر و تشکر کنیم.

در خاتمه، امیدواریم نظرها و دیدگاه‌های صائب خوانندگان عزیز و علاقه‌مندان به دانش سیاسی اسلامی، ما را در اصلاح و تلطیف مجموعه حاضر یاری نماید.

گروه سیاست

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

## مقدمه

«دانش سیاسی» که بداعت آن به تحولات فکری سه دهه اخیر حوزه علمیه قم باز می‌گردد، موضوعی است که از منظری درجه دوم در این اثر مورد مطالعه قرار گرفته است. گرچه کمتره این اثر، اندک و ورود آن به این عرصه زود هنگام باشد، اما سرعت تحولات مربوط به دانش سیاسی در حوزه علمیه قم آنقدر زیاد است که بر ما فرض می‌کند که در هر دوره‌ای به مطالعه آن پردازیم و از نزدیک مسائل مربوط به آن را مورد بازشناسی قرار دهیم. همچنان‌که می‌دانیم بررسی «سیاست» و مسائل مربوط به آن در سنت فکری حوزه‌های علمیه، از پیشینه بسیاری برخوردار است. گذشته از اینکه سیاست با معارف اسلامی نسبت برقرار می‌سازد؛ اساساً خود روحانیت نیز، نهادی است که متأثر از نشانه‌های سیاسی نص، وجودی سیاسی دارد و نمی‌تواند نسبت به آنچه در سپهر سیاست رخ می‌دهد، بی‌توجه بماند. مروری بر متون کلاسیک حوزه و نیز رفتارشناسی عالمان دینی در کلیت عصر غیبت، نشان می‌دهد آنان به حسب شرایط گوناگون تاریخی و نیز بنا به مبانی دین‌شناختی خاصی که درباره «جریان زندگی سیاسی شیعیان در عصر غیبت» دارند، الگوهای رفتاری متنوعی در تعامل با نظم سیاسی بر می‌گزینند و تبعاً نیز آموزه‌های حمایت‌کننده آن را تولید می‌کنند؛ از این رو، می‌توان در میان حوزویان، انبوهی از تنوع رفتارهای سیاسی مشاهده کرد که با بخشی از دانش‌های متداول در حوزه‌های علمیه ارتباط دارند. این تنوع آنگاه که

در شرایط گوناگون سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد؛ می‌تواند هر سیاست‌پژوهی را قانع کند که در تحلیل «سیاست» در حوزه‌های علمیه به ویژگی‌هایی توجه کند که تنها از مختصات روحانیت و حوزه‌های علمیه به حساب می‌آیند. در حوزه‌های علمیه، نص به مثابه نظام دانایی، بر ذهن و ضمیر روحانیت، سلطه‌ای هژمونیک دارد و روحانیت متأثر از سوانح و احوالی که در آن به سر می‌برد، پرسش‌های تاریخی خود را بر نص، عرضه و پاسخی منطبق بر نشانه‌های سیاسی آن، به دست می‌آورد و بدین گونه، به جریان نص در زندگی سیاسی مؤمنان، استمرار می‌بخشد. این فرایند که در چارچوب‌های به رسمیت شناخته حوزه‌های علمیه شکل می‌گیرد، شاخه‌های خاصی از دانش سیاسی را تولید می‌کند که معمولاً در فضای فکری حوزه‌های علمیه امکان ظهور می‌یابند. به همین دلیل، سرشت و ماهیت «دانش سیاسی» در حوزه‌های علمیه، با آنچه در محیط‌های دانشگاهی «علم سیاست» خوانده می‌شود؛ تمایز پیدا می‌کند. اینکه دانش سیاسی در حوزه‌های علمیه از چه سرشت و ماهیتی برخوردار است و چگونه مرزهای خود را از دانش سیاسی متداول در محیط‌های مدرن متمایز و یا متشابه می‌سازد؟ سؤالاتی است که رسالت این پژوهش، پاسخ دادن به آنهاست. در این پژوهش بدون اینکه قصدی در بررسی و تحلیل «رفتار سیاسی» روحانیت داشته باشیم، بیشتر می‌کوشیم تا «دانش سیاسی» در حوزه علمیه قم پس از انقلاب اسلامی را مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم. این دانش تاکنون، و در مقایسه با دانش سیاسی متداولی که در محافل دانشگاهی وجود دارد، مورد مطالعه چندانی قرار نگرفته است. معمولاً در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، پیش از آنکه چیزی به نام دانش سیاسی وجود داشته باشد، بیشتر «مباحث سیاسی» در میان حوزویان وجود داشته که در ابواب مختلف متون فقهی و حکمی حوزویان پراکنده شده بودند. اما با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، تلاش روحانیت برای مفهومی کردن زندگی سیاسی مؤمنان بر مدار نشانه‌های نص، موجب ظهور شاخه‌های متنوعی از دانش سیاسی شد که پیش از این، تنها در حاشیه دانش‌های عام‌تری مانند فقه و فلسفه قرار داشتند. علاوه بر این، در

این سال‌ها نیز روحانیت کوشید تا میان دانش‌های جدید و دین رابطه برقرار کند و در قبال پرسش‌های نوینی که دانش سیاسی مدرن، فراروی علوم و معارف حوزوی قرار می‌دهد؛ برون‌رفتی دینی بیابد و گره از کار مؤمنان بگشاید. بررسی این موضوع از این جهت اهمیت دارد که سرعت تحولات مربوط به دانش سیاسی در حوزه علمیه قم آن‌قدر زیاد است که غفلت از ماهیت و چشم‌انداز آن ممکن است در مسیر آن انحراف ایجاد کند و زحمت علاقه‌مندان به سیاست در حوزه را دچار آسیب نماید. به همین دلیل، این اثر می‌کوشد تا سرشت و چشم‌انداز آن را به مذاقه گذارد.

پیش از اینکه این اثر به نگارش درآید، تنها مقالات پراکنده‌ای وجود داشت که می‌تواند آنها را در سه دسته جای داد:

۱. **مطالعات توصیفی:** معرفی نهادها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی که متأثر از فضای سیاسی پس از انقلاب اسلامی به مطالعه درباره سیاست متمایل شده‌اند، محور مطالعات توصیفی است. محمد پزشکی در مقاله‌ای به بررسی سازمان‌های آموزشی و پژوهشی در حوزه علمیه می‌پردازد که به صورت رسمی و با مجوز وزارت علوم و تحقیقات و فن‌آوری یا مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در رشته علوم سیاسی به فعالیت می‌پردازند. دانشگاه باقرالعلوم (ع)، دانشگاه مفید و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در بخش آموزش و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در بخش پژوهش از جمله این نهادها به حساب می‌آیند. گفتنی است، منبع اولیه مطالعات توصیفی درباره دانش سیاسی در حوزه علمیه قم، کتابی است که معاونت پژوهش حوزه علمیه قم منتشر کرده است.

۲. **مطالعات تحلیلی:** این‌گونه مطالعات را نمی‌توان جدای از متون دسته اول قرار داد. تنها تفاوت میان آنها علاوه بر مطالعه مراکز و نهادهای در حاشیه و غیررسمی حوزه علمیه قم، اتخاذ رویکردی تحلیلی در مطالعه این مراکز است. شریف لک‌زایی در مقاله «تحول دانش سیاسی در حوزه علمیه قم» می‌کوشد

تغییراتی را که طی سه دهه اخیر درباره دانش سیاسی در فضای علمی حوزه علمیه قم رخ داده مطالعه کند.

۳. مطالعات انتقادی: دسته سوم مطالعات، مطالعاتی است که فراتر از توصیف، می‌کوشند رابطه دولت اسلامی و تولیدات فکر دینی را مورد مطالعه انتقادی خود قرار دهند و با بسط الگوی تحلیلی خود، وضعیت کنونی دانش سیاسی در حوزه علمیه قم را به داوری گذارند. فیرحی در برخی از آثارش، برخلاف دیدگاه سستی که علم را از تولیدات ذهن آدمی می‌داند، علم را جزئی از صنایع اجتماعی دانسته و دانش سیاسی را از جمله اموری می‌انگارد که در درون دولت شکل می‌گیرد.

اهداف که این تحقیق دنبال می‌کند، عبارتند از: ۱. مطالعه درجه دوم دانش سیاسی در حال تکون در حوزه پس از انقلاب اسلامی؛ ۲. بررسی سرشت و ماهیت دو نوع دانش سیاسی حوزوی و دانش سیاسی حوزه‌ای؛ ۳. بررسی چشم‌انداز دانش سیاسی حوزه و تحولات احتمالی پیش روی آن.

از آنجا که رسالت اصلی این پژوهش، توصیف و تحلیل دانش سیاسی در حال تکونی است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در فضای فکری حوزه علمیه قم، ظهور و بسط یافته است. تبعاً مهم‌ترین پرسش این اثر نیز به پرسش از «سرشت و مختصات دانش سیاسی در حوزه علمیه» اختصاص می‌یابد. گرچه ظاهراً در این پرسش، بیشتر «دانش سیاسی حوزوی» که حوزه در آن، وصف مقوم است مورد توجه قرار گرفته است، اما بررسی گونه دوم دانش سیاسی در حوزه، نیز بخشی از رسالت این پژوهش نیز به حساب می‌آید. در راستای پرسش اصلی این اثر، پرسش‌های دیگری نیز وجود دارد که خصلتی فرعی دارند و در تشریح اهداف پژوهش به ما یاری می‌رسانند. این پرسش‌ها عبارتند از:

۱. شاخه‌های دانش سیاسی در حوزه علمیه قم کدام‌اند و چه تفاوت‌های روشی و محتوای با دانش سیاسی متداول در مراکز آکادمیک دارند؟

۲. دانش سیاسی حوزوی برحسب چه منطق و اسلوبی تولید می‌شود؟ مفاد سلبی و ایجابی تولید شده در دانش سیاسی حوزوی کدامند؟ ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایی تولید دانش سیاسی در حوزه علمیه قم چیستند؟

۳. عوامل اجتماعی و معرفتی ظهور مراکز دورگه آموزشی و پژوهشی در عرصه علوم سیاسی در حوزه علمیه قم کدامند؟

۴. نهادها و مراکزی که طی این سه دهه به توزیع و احیاناً تولید دانش سیاسی پرداخته‌اند، کدامند؟

۵. ظرفیت‌ها و محدودیت‌های هریک از مراکز در بسط و نهادینه کردن دانش سیاسی در حوزه علمیه قم چیستند؟

فرضیه و پاسخ اولیه‌ای که عناصر و ارکان این اثر را به هم پیوند می‌دهد، پاسخی است در دو بخشی. بخش اول آن به مثابه چارچوب و بخشی دیگر آن به عنوان عامل، سرشت و ماهیت دانش سیاسی در حوزه علمیه قم را به فهم ما در می‌آورد: ۱. دانش سیاسی حوزه علمیه قم، برآیند تعامل و ترابط سه مؤلفه نص اسلامی، روحانیت (به عنوان مفسر) و شرایط اجتماعی و سیاسی است. به سخنی دیگر، دانش سیاسی حوزوی در درون یک مثلث شکل می‌گیرد که در رأس آن نص دینی است و در یک قاعده‌اش روحانیت است که نیازهای عصر خویش را به صورت پرسش‌های تاریخی به نص، عرضه و از آن، راجح مطالبه می‌کند و در قاعده دیگر مثلث، شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی قرار دارد که بر آن نیازها و پرسش‌ها تأثیر و تبعاً آنها را در هر دوره‌ای متفاوت می‌سازد. شرایط جدید پس از پیروزی انقلاب اسلامی، که روحانیت را مجبور می‌کرد زندگی سیاسی مؤمنان را برحسب نشانه‌های نص، مفهومی کند، سبب تکوین دانش‌های سیاسی مستقل و نیز رواج مطالعات سیاسی در فضای علمی حوزه علمیه قم گردیده است.

در اینجا نیز بیان این نکته ضرورت دارد که علاوه بر اینکه روش مطالعه این اثر روش جامعه‌شناسانه است، این برای نخستین بار است که در رساله‌ای مستقل و به‌طور تفصیلی دانش سیاسی حوزه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. علاوه بر این،

برخلاف عده‌ای که معتقدند دانش سیاسی در حوزه برخاسته از ملاحظات قدرت سیاسی است، از بالندگی و سرزندگی این دانش سخن می‌گوید و تأثیرات آن بر قدرت را نیز مورد تحلیل قرار می‌دهد.

این اثر نیز از چهار فصل مهم تشکیل یافته است. فصل اول به کلیات و تمیهدات نظری بحث اختصاص یافته است که برآیند آن، هم‌افزایی مخاطب با دغدغه‌های اصلی مؤلف است. در فصل دوم نیز مؤلف می‌کوشد شرایطی را که به ظهور شاخه‌های متعدد دانش سیاسی در حوزه پس از انقلاب منجر شده است، مورد مطالعه قرار دهد. رویکردهای متنوعی که در حوزه علمیه به دانش سیاسی شده است نیز از مباحث مهم همین فصل است. در فصل سوم نیز مؤلف کلیه شاخه‌های دانش سیاسی در فضای علمی حوزه و نیز وضعیت موجود آموزشی و پژوهشی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل چهارم نیز به مطالعه مراکز دوره آموزش دانش سیاسی در حوزه علمیه قم همت گماشته است. محدودیت‌ها و چشم‌انداز دانش سیاسی آخرین گفت‌وگوهای این اثر است.

عبدالوهاب فراتی